



سخن سردبیر

کنونی بوده‌اید!

راستش همین دوست گرامی خوابگاهیم که از وضعیت سلف‌ها و «مدیریت تمرکز دانشجویان» الزهرا (س) ناراضی بود، آدم بدی نیست. دنبال دردسر هم نیست. خرده‌نانی می‌خواهد و جرعه‌ای آب از این بحر طویل و یک لبخند از مدیر. و نه صحبت‌هایی که بگوید ما همچون مادریم برای بچه‌ها و شب‌هایی هم اگر غذای خوبی نبود، نباید کسی گلیه کند! حل مسئله در ارکان مدیریتی باید اصلاح ساختاری داشته باشد و به آهستگی اما عمقی رفع شود! با چیدن ظرف‌های سلف کف دانشگاه و «قشنگ کردن شهر» با ظرف‌های مرکزی در لحظه فقط وعده وعید می‌شنویم و راستش چند متلک سیاسی؛ اما مهم این است که بی‌حرکتی که دانشجویان به مخاطره بیفتند، مسائل حل شوند. راه حل مسائل دانشگاه از دانشجویان و شنیدنش با مسئول. شمایی که دارید این متن را می‌خوانید هر دو مسئولید. یا دانشجویید و ملزم به مطالبه و یا مسئولید و ملزم به پیگیری مسائل. بهترین راه حل مشکلات کشور اول از همه درک آنهاست؛ همان نکته‌ای که هیئت علمی‌های خودمان هزاران بار در کلاس زیر گوشمان گفتند؛ فهمیدن سوال و مسئله خود نصف حل است.

روزنه‌ی امروز دانشگاه الزهراء (س) قرار است، به گوشه‌ای از مشکلات صنفی دانشجویان الزهراء (س) پردازد که هر روز درگیرش هستند. کمی از سلف‌ها و غذا گفتیم و کمی هم از استراحت‌گاه‌های ناموجود دانشگاه و نمازخانه‌ها و... روزنه جایی است برای پیگیری مطالبات! جایی که بی‌کلافگی قرار است بشنود، بدود و استمرار بورزد تا حل کند. با ما همراه باشید.

به من می‌گفت وسوسه شدم یکی از همین قاشق‌های سلف را بردارم و بیفتم به جان این جوجه‌های مادر مرده! از دور نه برق ظرف‌های استیل سلف بلکه برق تیزی نگاه زعفران جوجه‌های چیده شده همیشه نگاهم را می‌ربود. آن‌هم من که دربه‌در به دنبال غذای اضافه بودم تا کمبود غذای خوابگاه را جبران کنم. تو که می‌دانی چقدر همیشه گرسنه‌ام! گفتم خب خودت هم که مبتلابه هستی! خودت هم ظرف را لابه‌لای آن چپاندی!

می‌گفت خب باید کاری کرد. نمی‌شود که! هر دفعه غذا از روزی بدتر است! یا جلوی یاس صف است تا در دانشگاه! یا از سلف مرکزی تا بالای پله‌ها قطار تهران_قم راه انداخته‌اند. بگذار یکبار این‌ها و دارودسته‌شان هم ببینند ماهم بلدیم برایشان دردسر درست کنیم. فقط آن‌ها نیستند که می‌توانند کلاف ما را از مغزمان بیرون کشند و سه دور، دور خود بزنند و بچرخانند و دوباره بکنند در مغز ما؛ خب خسته شدیم! تازه جای خواب هم نداریم. به فرض که با آن مثقال غذای نه چندان خوش‌مزه کنار آمدیم؛ با «پاشو پاشو» های مسئول مسجد چه کنیم؟ خب استراحت هم نباید داشته باشیم؟

با اینکه گرسنه بود ولی حق داشت! حرفش حق بود ولی کارش... نمی‌دانم!

می‌دانم شما که دارید متن را می‌خوانید یا مبتلابه هستید و تابه‌حال هزاربار عرق جبینتان را با دستمال کاغذی سافتلن طلائی وقتی در گرمای پاییز و بهار در صف سلف اوقات می‌گذرانده‌اید، خشک کرده‌اید، یا این‌که خود کسی هستید که شاید عامل مبتلابه شدن امثال من به وضعیت

جان بی وقت، وقت بی جان

محدثه مولایی

کارشناسی زنان و مطالعات خانواده

شرحی بر اوضاع و احوال استراحت دانشجویان دانشگاه الزهراء

بعد از سپری کردن یک ترم و اندی که به خاطر شرایط کرونا نتوانسته بودیم در دانشگاهی که خیلی برایش ذوق زده بودیم، حضور داشته باشیم، بعد مدتی امکان آن را پیدا کردیم. خب، بعد از اینکه توانستیم دانشکده خود را شناسایی کنیم و مسئول آموزش خود را دریابیم، در گیرودار عادت کردن به فضای حضوری دانشگاه شدیم. آن هم بعد از گذر کردن از مرحله‌ی تشکیل کلاس‌های درس در زیر پتو و کنار شופاژ تا برگزاری کلاس‌های هشت صبح توسط استاد با دانشجویان غرق در خواب....

حالا باید شهرستانی‌های عزیز کتاب و دفترهای خود را جمع کرده و به سوی خوابگاه‌های دانشجویی

میخوره پای لرزش هم باید بشینه» یا: «هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد» با این دو ضرب‌المثل قدیمی‌ای که خدمت انورتان عرض کردم، باید قانع شده باشید. البته بماند که یک تشکر اساسی باید از مدیر گروه‌های هر رشته بابت لطف و عنایت بی‌منت و مهربانانه‌ی خود در چیدمان کلاس‌ها برای دانشجویان تا شامل لطف و مرحمت آنان بشوند به عمل آید. چرا که در سختی‌ها کنار دانشجویان باشند و همچنین توجه ویژه‌ای به ساعاتی از وقت دانشجویان که بین کلاس‌هایشان است کنند تا هدر نرود. زیرا معمولا دانشجویان باید از ۹ صبح تا ۳ بعدازظهر منتظر کلاس بعدی باشند که آیا به لطف دوستان عزیز که دائم در حال

قطعا اندکی استراحت در طول روز در دانشگاه موجب فراهم آمدن بهره‌وری بیشتر دانشجویان در کلاس‌های درس خواهد. موضوع، موضوعی مهم و حائز اهمیت است؛ چرا که نیاز در این‌باره به شدت احساس می‌شود؛ هم از سمت دانشجویان که باید بیش از نصف روز خود را در دانشگاه سپری کند و خستگی‌هایی که سر کلاس درس با خود می‌برد و همچنین از سمت استاد که شدیداً مواجه با خستگی دانشجویان هستند، که باید همه‌ی توانش، فهماندن مطالب درسی مهم به دانشجویان باشد و در گیرودار بیدار نگه داشتن دانشجویان در کلاس است.

می‌آمدند. ما دانشجویان تهرانی و البته اطراف تهرانی باید صبح‌ها دوساعتی زودتر از خوابگاه‌های عزیزمان راه می‌افتادیم تا به دانشگاه برسیم به امید آن‌که شامل نصایح اساتید قرار نمی‌گرفتیم. خب بله به قول معروف: «هر کی خربزه

پیچاندن کلاس هستند، تشکیل بشود یا نشود. این همه صغری و کبری چیدم که این را بگویم؛ ما بعد از این‌همه خستگی و مشقت طی کردن مسیر خانه تا دانشگاه یا خستگی‌های مسیر و اتفاقات مستحدث برای



غذایی که دیگر مثل قبل نیست!

حنانه حاجی زاده
کارشناسی مشاوره

تحلیلی از وضعیت تغذیه‌ی دانشجویان در سال گذشته

با آغاز سال تحصیلی جدید در دانشگاه الزهرا (س)، بسیاری از بخش‌های دانشگاه دچار تغییر و تحول اساسی شد، که یکی از اصلی‌ترین نمودهای آن در بخش تغذیه بود. با تغییر مدیران و مسئولان معاونت دانشجویی دانشگاه، پیمانکار سلف هم تغییر کرد و شاهد تغییراتی گسترده و البته عجیب در آن بودیم. تنوع بسیار پایین غذاها، کاهش محسوس کیفیت آن‌ها، طولانی شدن صف‌های غذا به دلیل کمبود نیروهای سلف و حذف دورچین از وعده‌های غذایی، از بارزترین این تغییرات بودند. در این وضعیت با توجه به نبود شورای صنفی در دانشگاه، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) به‌عنوان تنها مرجع رسمی پیگیری مشکلات صنفی دانشجویان کار خود را در این زمینه آغاز کرد. دبیر واحد علمی و صنفی انجمن اسلامی که در این موضوع مسئولیت دارد، پیگیری‌های متعددی از مدیران معاونت امور دانشجویی و همچنین شخص معاون امور دانشجویی وقت، یعنی سرکار خانم دکتر ثمنی انجام داد. در این میان علاوه بر مشکلات سلف مرکزی، رستوران مکمل دانشجویی؛ یاس به‌علت تغییر پیمانکار در ابتدای سال تحصیلی تعطیل شد و مشکل دو چندان شد. همچنین حذف غذای روزهای پنجشنبه برای تمام دانشجویان اعم از خوابگاهی و غیرخوابگاهی، حذف یکی دیگر از رستوران‌های مکمل دانشگاه و همچنین حذف بسته ماهانه صبحانه و جایگزین کردن صبحانه روزانه، بر نارضایتی دانشجویان افزود. تا جایی که برخی از دانشجویان برای شنیده شدن صدای اعتراضشان دست به صورت نامناسبی از اعتراض زدند که حتی در شبکه‌های معاند لندن‌نشین

و مزدور سعودی فارسی‌زبان هم بازتاب داشت. در نهایت با پیگیری‌ها و جلسات متعددی که ترتیب داده شد، به مرور کیفیت و تنوع غذاها تا حدی افزایش یافت و کم‌کم دورچین‌ها هم تا حد زیادی برگشت. البته که تنوع دورچین‌ها هنوز به حد گذشته نرسیده است و تنوع غذاها هم مثل گذشته نیست؛ اما امید است بهتر شود. بعد از مدتی از شروع سال تحصیلی، رستوران مکمل یاس هم با پیمانکار جدید بازگشایی شد و با کیفیت و تنوع غذایی خود، مقداری از بار موجود بر دوش سلف مرکزی را برداشت. همچنین به مرور غذای پنجشنبه برای دانشجویان خوابگاهی برگشت تا مقداری از نارضایتی دانشجویان کاسته شود. اما هنوز هم پای درودل دانشجویان خوابگاهی که می‌نشینیم، از نبود بسته صبحانه ماهانه نراضی هستند و شرایط قبلی را از هر جهت، بسیار مطلوب‌تر از صبحانه روزانه می‌دانند. البته مسئولین نیز دلایلی برای حذف این بسته‌ها داشتند، که اسراف و قاچاق، اصلی‌ترین آن‌ها بود؛ اما شاید می‌شد با هم‌اندیشی مسئولان دانشگاه و دانشجویان، راهکاری مطلوب‌تر پیدا کرد. در ادامه سال تحصیلی هم در تمام ساختمان‌های اصلی دانشگاه، دستگاه قهوه‌ساز خودکار و در بعضی دانشکده‌ها، وندینگ قرار داده شد که مورد استقبال دانشجویان قرار گرفت. امید است که در آینده نیز شاهد این تغییرات در جهت مثبت باشیم و مسئولان دانشگاه بیش از گذشته در بین دانشجویان حضور پیدا کرده و صدای دانشجویان را شنیده و از خود آن‌ها برای حل مشکلات دانشگاه، مشورت و کمک بگیرند.

اندازه ده قدم هم نمی‌شود. باز جای شکرش باقی‌ست که همین هم هست.

خب این مطلب کمی دردآور است که دانشگاه هیچ تدبیری در این مورد که جای خالی‌ش به‌طور واضح احساس می‌شود، ندارد. وجود جایی برای استراحت دانشجویان در دانشگاه قطعاً به بازدهی همه‌جانبه آن‌ها کمک می‌کند. ما شاهد مکان‌هایی برای استراحت‌های این‌چنینی در بعضی دانشگاه‌های دیگر هستیم؛ پس کاملاً انجام شدنی است و اگر انجام نمی‌شود، کم‌کاری است نه «عدم امکان» انجام آن.

قطعاً اندکی استراحت در طول روز در دانشگاه موجب فراهم آمدن بهره‌وری بیشتر دانشجویان در کلاس‌های درس خواهد. موضوع، موضوعی مهم و حائز اهمیت است؛ چرا که نیاز در این‌باره به شدت احساس می‌شود؛ هم از سمت دانشجو که باید بیش از نصف روز خود را در دانشگاه سپری کند و خستگی‌هایی که سر کلاس درس با خود می‌برد و همچنین از سمت استاد که شدیداً مواجه با خستگی دانشجو در کلاس هستند، که باید همه‌ی توانش، فهماندن مطالب درسی مهم به دانشجو باشد و در گیرودار بیدار نگه داشتن دانشجو در کلاس است. موضوع از حیث پراهمیت بودنش بسیار روشن و واضح است و این بی‌توجهی به موضوع به خاطر ندانستن یا اطلاع نداشتن از این موضوع نیست و موضوع پراهمیت را بی‌اهمیت پنداشتن صرفاً به معنای بی‌اهمیتی نیست، بلکه بی‌توجهی است.

والسلام

خودمان یا حتی تعطیل شدن کلاسی که با عنایات بعضی دانشجویان یا استاد عزیز تشکیل نشده است، باید دنبال جایی برای استراحت بگردیم که اغلب اوقات جایی را نمی‌یابیم! این می‌شود که دانشجویان پرتلاش و عزیز ما گاهی به مسجد پناه می‌برند و البته با هر قدمی که در مسجد دانشگاه برمی‌دارند کاغذ A4هایی را ملاحظه می‌کنند که با جملاتی همانند:

«دانشجویان عزیز خوردن و خوابیدن در مسجد اشکال شرعی دارد» یا «این چادرها برای نماز خواندن است» مزین شده است! حال، با عذاب وجدان، ۵ دقیقه به خواب می‌روند؛ به طوری که با دستی که روی بازویشان می‌زنند بیدار می‌شوند؛ آن‌هم با جمله‌ی «عزیزم اینجا جای خواب نیست بلند شو!»

اگر فکر می‌کنید منظورم مسئول مسجد است، درست متوجه شدید، بله منظورم مسئول مسجد است که در آخر هم دانشجو هاچ‌وواج و بهت‌زده یک نگاهی به اطراف می‌کند و نگاهی به مسئول مسجد و با تکان دادن سرش که انگار به معنای «فهیدم» باشد، از مسجد بیرون می‌آید و به سمت دانشکده می‌رود. این‌طور می‌شود که نمازخانه‌ی دانشکده را نشانه می‌رود؛ آن هم برای اندکی چشم بر روی هم گذاشتن. این‌جا هم که می‌رسد تا چشمانش گرم می‌شود، با صدای دانشجویانی که با جمله‌ی «عزیزم لطفا پاشو ما می‌خواهیم نماز بخوانیم جا نیست» او را به بیرون هدایت می‌کنند. الحمدالله نمازخانه‌های دانشکده‌های ما به آن عظمت به



روزنه، جایی برای پیگیری مشکلات صنفی شما!

۰۹۰۳۹۱۶۳۳۱۹

هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو:

@anjoman_eslami_alzahra

@anjomanalzahra